



خانه مصدق در تصرف کودتاچیان

الوات و چماقداران حامی کودتا

کاتب: کاردار آمریکا در اتاق دکتر مصدق، پس از غارت کودتا

کودتای ننگین بیست و هشت مرداد

پنجاه و هشت سال از فاجعه ننگین کودتای بیست و هشت مرداد می گذرد کودتایی که با طرح و برنامه ریزی دول استعمارگر آن زمان یعنی انگلستان و آمریکا و با سکوت اتحاد جماهیر شوروی ، توسط مزدوران داخلیشان انجام گرفت . با سقوط دولت ملی دکتر مصدق بزرگمرد تاریخ معاصر ایران زمین ، بیست و پنج سال دیکتاتوری وابسته بر کشورمان حاکم گشت لکه ننگی که هرگز از صفحه های تاریخ کهن ما ایرانیان پاک نخواهد شد. هرچند در این مدت توسط هواداران نظام پیشین کوشش بسیار شده است تا براین فاجعه ننگین رنگ دیگری بخشند . گروهی آنرا " رستاخیز ملی " !! نامیده اند و افرادی هم می گویند گذشته را باید بگذشته سپرد و ب فکر آینده بود . با اینکه طراحان کودتا به این عمل اهریمنی خود صریحاً اعتراف و آن را تقبیح نموده اند، حتا محمدرضا شاه در آخرین کتاب خود به نوعی به این خیانت اشاره نموده است و خواهرگرامیش با صراحت بیشتری به همکاریش با جاسوسان بیگانه اعتراف می کند در مقابل افرادی که خود را " جانثار خاک پای همایونی " معرفی می کنند با بی شرمی تمام این خیانت بزرگ را " رستاخیز ملی " می نامند .

برای رسیدن به استقلال ، آزادی ، عدالت اجتماعی و رفاه و ترقی لازم است هرملت مبارزی ، تاریخ و حوادث سیاسی گذشته کشور خود را با دقت مورد مطالعه قرار دهد و با عبرت گرفتن از علل شکست ها و پیروزی ها ، راه آینده خود را هموار سازد تا بار دیگر اشتباهات گذشته تکرار نگردد . آن کسانی که می گویند گذشته را باید به گذشته سپرد و به آینده نگر نیست ، یا از روی سادگی و نادانی بوده و یا از روی غرض و کینه ورزی است . اگر ملت ما بویژه رهبران و سازمان های سیاسی و روشنفکران جامعه علت شکست انقلاب مشروطه را با آن همه فداکاری و جنبش ملی

کردن صنعت نفت را با آن همه اتحاد و یگانگی ، مورد بررسی و مطالعه قرار داده و از آن پند می گرفتند هیچگاه انقلاب بیست و دو بهمن اینگونه با شکست مقتضحانه روبرو نمی شد تا هواداران نظام پیشین چنین گستاخانه از پستوها بیرون آمده و زیر نام " مشروطه خواهان " از ملت ایران طلبکار هم بشوند . باید از این مدعیان مشروطه خواه پرسید : در آن بیست و پنج سالی که در اثر کودتای ننگین، قانون اساسی مشروطه زیر پا نهاده شد ، هیئت دولت و نمایندگان مجلس و قضات قوه قضائیه بجای احترام گذاردن به قانون اساسی که خون بهای پدران ما بود و اجرای کامل آن ، همگی پیرو " منویات ذات اقدس همایونی " شدند و جز " فرامین هما یونی " هیچ قانونی در جامعه قابل اجرا نبود این بانوان و آقایان کجا تشریف داشتند که پس از مرگ مشروطیت به یاد آن افتاده و یقه پاره می کنند

در آن بیست و پنج سال حکومت استبدادی ، میهن دوستان آزادیخواه و دانشجویان مبارز بودند که جهت اجرای کامل قانون اساسی مبارزه نمودند ، شماری از آنان به جوخه اعدام سپرده شدند یا به زندان افتاده و یا تبعید گردیدند و یا خانه نشین گشتند ، در مقابل آقایانی که امروز دم از مشروطه پادشاهی میزنند، ساکت نشسته و تماشاچی آن همه قانون شکنی و بی عدالتی بودند و لب از لب هم نگشودند ولی اکنون که ملت ایران خط بطلان بر نظام پیشین کشیده است ، فیلشان یاد هندوستان کرده است .

مسبب و بانی سیه روزی امروز ملت ایران جز آخرین پادشاه پهلوی و هواداران پر و پا قرصش چه کسی میتواند باشد ؟

باره ها گفته و باز می گوئیم : زمانی که بفرمان " ملوکانه " درب سازمان های سیاسی و سندیکاهای کارگری و انجمن های دانشجویی بسته شد و قلم های حق نویس شکسته و دهان آزادیخواهان دوخته گشت و بارها دانشگاه مورد هجوم سربازان و چماقداران حکومتی قرار گرفت تا با سرکوبی دانشجویان آزادیخواه ، سکوت مرگبار را بر جامعه حاکم نمایند تا دیگر صدای آزادی و عدالت خواهی به گوش ها نرسد و " خاندان جلیل سلطنتی " بتوانند بر جامعه حاکم و فرمانروا مطلق گردند و مردم رعیت و دست بوس آنان گردیده و در بیخبری کامل بسر برند و خبرها فقط پس از گذشتن از صافی ساواک انتشار یابد و تنها مساجد ، حسینیه ها ، انجمن های اسلامی و تکلیا به روی مردم از همه جا رانده شده باز باشد و به ناچار مردم به آن مکان ها روی آوردند تا واژه آزادی و عدالت و مساوات را در آنجا ها که حتا در دور افتاده ترین روستاها وجود داشت بشنوند و فریب خورده و به ناچار ناجی خود را در بین دستار بندان بجویند . زمانی که پادشاه تحصیل کرده فرنگ ، خود شاهد معجزات فراوانی باشد و به مکه مشرف شود و هر چندگاه به زیارت آرامگاه بزرگان دین برود و امام زمان را با چشم خود ببیند وووو... ، چگونه میتوان توقع داشت که مردم ساده دل تصویر خمینی را در ماه نینند و وعده های فریبنده اش را در باره مجانی شدن آب و برق و اتوبوس و اینکه همه مردم صاحب خانه خواهند شد باور نکنند و گفته های شیرین دستار بندان ریاکار را در مورد آزادی و مساوات نا دیده گرفته و به پشتیبانی آنها برنخیزند؟ آیا آنهایی که با وقاحت تمام ، کودتای ننگین بیست و هشت مرداد را " رستاخیز ملی " میخوانند آیانمی دانند که برادران رشیدیان ، گروهی از پرسنل ارتش و شهربانی ، کانون افسران بازنشسته ، اوباش و چاقو کشانی چون طیب حاج رضائی - حسن رمضان یخی - اصغر خالدار - ناصر جیگرکی - شعبان بی مخ و... ، زنان بد نامی چون ملکه اعتضادی ها ، پری آژدان قزی ها ... و گروه های مذهبی زیر امر " آیت الله " سید ابوالقاسم کاشانی ، سید محمد بهبهانی ، شیخ بهاءالدین نوری ، شیخ احمد کفائی خراسانی ، " حجت اسلام و المسلمین " شمس قنات آبادی و آیت الله عظمای بروجردی ، سازمان فدائیان اسلام ، مجمع مسلمانان مجاهد و

همچنین خود فروختگان سیاسی چون دکتر مظفر بقائی ، حسین مکی ، حائری زاده ، علی زهری میراشرفی و... بودند که علیه نهضت ملی ایران وارد میدان شدند و فرامین کرومیت روزولت فرستاده « پرزیدنت آیزنهاور » را با موفقیت به انجام رساندند.

در فرمای کودتا ننگین روزنامه نبرد ملت وابسته به فدائیان اسلام نوشت :
" مصدق غول خون آشام و یاران آدم کش او به زنجیر کشیده شدند . "

محمد رضاشاه در آخرین کتاب خود " پاسخ به تاریخ " ضمن اشاره به دیدار مخفیانه خود با فرستاده سازمان جاسوسی آمریکا ادامه می دهد که :

" در مردادماه ۱۳۳۲ پس از حصول اطمینان از پشتیبانی ایالات متحده آمریکا و انگلیس که سر انجام سیاست مشترکی را آغاز کرده بودند و پس از بررسی اوضاع با کرومیت روزولت فرستاده سازمان مرکزی اطلاعات ایالات متحده ، برآن شدم که برای یافتن راه حلی وارد عمل شوم "

یعنی فرامین پرزیدنت آیزنهاور و مستر چرچیل را اطاعت نموده و به اجرا گذارم .
امروز نتیجه آن خیانت بزرگ را همگی با چشم خود می بینیم . هواداران نظام پیشین خود بهتر می دانند که کودتای بیست و هشت مرداد توسط دول استعمارگر علیه دولت ملی دکتر مصدق طرح ریزی شد و توسط مزدوران داخلی به انجام رسید در ضمن خطاری هم به ملت های جهان سومی بود که اگر علیه نامشروع استعمارگران بخواهند اقدامی نمایند آنچه در ایران گذشت بر سر آنها نیز خواهد آمد .

در این چندسال اخیر مدیران و دست اندر کاران و برنامه ریزان خارجی کودتا ننگین بیست و هشت مرداد، با مصاحبه ها و انتشار خاطرات خود نقطه ابهامی در این راستا باقی نگذاشته اند .
حال چند نفر خود فروخته ایرانی نما برای بدست آوردن دل اربابان ، قلم بدست گرفته و علیه دکتر مصدق بزرگمرد تاریخ ایرانزمین مزخرفاتی را سر هم کرده و خود را تاریخ نویس و یا محقق سیاسی معرفی می نمایند و با این عمل بی شرمانه، آبروی نداشته خود را بیش از پیش برده و می برند . این نشان دهنده واقعیتهایی است که نام مصدق هنوز دشمنان آزادی و استقلال و عدالت را به وحشت می اندازد چون می بینند ، چراغی را که مصدق فرا راه ملت های در بند استبداد و استعمار نهاد هرگز خاموش شدنی نیست و تا رسیدن به استقلال ، آزادی ، عدالت اجتماعی و رفاه و ترقی ، راه مصدق همچنان ادامه خواهد داشت .

هم میهنان !

با پند و عبرت گرفتن از علل شکست های انقلاب مشروطه ، نهضت ملی کردن صنعت نفت و انقلاب بیست و دوهمن ، باید از پراکندگی که همواره خواست دشمنان ایران بوده است درآئیم و دست بدست هم داده و با کمک هم ، کشور عزیزمان را از سرازیری سقوط نجات دهیم و با رسیدن به آزادی و برقراری عدالت اجتماعی در سایه نظامی مردمسالار در کنار هم باشیم و با بینش و درایت کامل اجازه ندهیم در همبستگی ما خللی وارد آورند همانگونه که در سه جنبش گذشته انجام گرفت و ما را به نقطه اول باز گرداند . باید همواره این حقیقت را در نظر داشت:

گذشته چراغ راه آینده است

توجه داشته باشیم ما قبل از هر چیز ایرانی هستیم . آذری ، کرد ، بلوچ ، لر ، ترکمن ، خوزی ، گیلک و مازندرانی و فارس و... همه اعضای یک خانواده هستیم و از حقوق مساوی برخوردار بوده و در اداره کشورمان به یکسان شریک و سهم هستیم با هر مرام و هر آئینی که داشته باشیم ، مهم ایرانی بودن ماست .

دروود بر روان پاک مصدق بزرگ پیشوای نهضت ملی ایران

دروود بر روان پاک دکتر حسین فاطمی سردار نهضت ملی ایران

دروود بر روان پاک تمامی جانبختگان راه آزادی و عدالت

دروود بر کارگران ، زنان ، معلمان ، دانشجویان مبارزوزندانان سیاسی

پنجشنبه ۲۹ مرداد یکهزار و سیصد و نود خورشیدی

مهران ادیب